

## هشت نکته در باره‌ی مسأله‌ی سرنگونی

به مناسبت هفتمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۵ - ۲۶ فوریه ۲۰۱۷ - ۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۵

۱- واژه‌هایی چون: سرنگونی، برچیدن، برکناری، براندازی، برافتادن، برافکندن... رژیم، این‌ها همه معنای واحدی دارند، یعنی پایان دادن به عمر یک رژیم توسط نیرویی که در برابر آن قرار می‌گیرد. این مقوله‌های سیاسی در برابر مقوله دیگری قرار می‌گیرند: اصلاح یا تحول رژیم. واژه دیگری را نیز این روزها به کار می‌برند: "گذر از جمهوری اسلامی". این اصطلاح خصلت دو پهلو دارد: هم می‌تواند به معنای سرنگونی یا برچیدن تمامیت یک رژیم باشد و هم به معنای تحول پذیری آن به سوی رژیمی دیگر.

سرنگونی را به زبان‌های خارجی (فرانسه، انگلیسی و آلمانی) چنین می‌گویند:

Renverser un régime, reverse a regim, regimewechsel

به صورت شعاری نیز چنین می‌گویند:

A bas la république islamique d'Iran

Down with the islamic républic of Iran

Nieder mit der islamischen republic Iran

۲- در تاریخ معاصر ایران، طرح شعار سرنگونی بر می‌گردد به اواسط دهه ۱۳۴۰ (۱۹۶۰). در برابر رژیم شاه، نیروهای رادیکال در داخل و خارج شکل می‌گیرند. این نیروها دو شعار را کنار می‌گذارند. یکی، شعار جبهه ملی است: شاه باد سلطنت کند و نه حکومت، که به معنای پذیرش قانون اساسی مشروطه است. دومی، شعار ضددیکتاتوری حزب توده است که به کمک و تحت قیمومیت اتحاد شوروی در صدد کودتایی از نوع کودتاهای اروپای شرقی بعد از جنگ جهانی دوم، در ایران است. در جنبش دانشجویی، در کنفدراسیون دانشجویی، از کنگره دوازدهم در سال ۱۹۷۲ به بعد شعار سرنگونی رژیم پهلوی، در مقابل دو شعار نامبرده جبهه ملی و حزب توده مطرح می‌شود. بدین ترتیب، کنفدراسیون قانون اساسی مشروطه را، با این که توسط رژیم پهلوی اجرا نمی‌شد، نفی می‌کند. از این رو، کنفدراسیون دانشجویی و محصلین توسط رژیم شاه غیر قانونی اعلام می‌شود. در این سال‌ها تا انقلاب ۱۳۵۷، شعار سرنگونی مرز تمایز و اختلاف بین نیروهای مترقی رادیکال با جبهه ملی، نهضت آزادی و حزب توده را روشن و شفاف می‌کند.

۳- در سال‌های پس از انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی، مسأله سرنگونی به این صورت نزد نیروهای رادیکال مطرح می‌شود که سرنگونی یا برچیدن بدون مشخص کردن رژیمی که باید جایگزین جمهوری اسلامی شود، بی‌معناست. تجربه انقلاب ۵۷ این موضوع را برای ما ثابت می‌کرد که سرنگونی می‌تواند به رژیمی بدتر از رژیم سرنگون شده ختم شود.

۴- در سال ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵، قبل از برگزاری گردهمایی اول و ایجاد ج.ج.د.ا.ا، یک کمیسیون سیاسی تشکیل می‌شود از گرایش‌های مختلف برای نگارش سند سیاسی پایه‌ای سازمان جدید. در این کمیسیون که من در آن شرکت داشتم، اختلافات بر سر سرنگونی نبود، بلکه بر سر مسائل دیگری بود از جمله دو مسأله مهم: یکی پذیرش کامل اعلامیه حقوق بشر و دیگری شکل ساختاری ج.ج.د.ا.ا. : فورومی از سازمان‌ها باشد و یا شکلی که هم اکنون ج.ج.د.ا.ا. دارد یعنی جریانی جنبشی و متشکل از افراد حقیقی. در آن زمان اما، برای همه ی ما

محرز بود که جمهوری خواهان دموکرات و لائیک در پاریس از دو جریان دیگر که در همان زمان شکل می‌گیرند کاملن متمایز است: یکی "برلنی‌ها" (اتحاد جمهوری خواهان ایران) بودند که سازش با خاتمی را در پیش می‌گیرند و دیگری، "لندنی‌ها" بودند که سازش با رضا پهلوی را، ما، "پاریسی‌ها"، بر خلاف آن دو دیگر، طرفدار سرنگونی تمامیت رژیم اسلامی بودیم، برای استقرار جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین در ایران.

۵- سرنگونی، برچیدن و عمل‌هایی از این دست هم می‌توانند به صورت مسالمت آمیز تحقق پذیرند و هم قهرآمیز. بسیاری سرنگونی‌ها (صرف نظر از نتایج و تحولات بعدی آنها) مسالمت آمیز انجام گرفتند: انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، سرنگونی سالازار در پرتغال، سرنگونی رژیم شاه در ایران، سرنگونی رژیم بن علی، حسنی مبارک در تونس و مصر در بهار عربی. این‌ها همه قهرآمیز و مسلحانه نبودند. به طور کلی هنگامی که سرنگونی، برچیدن، قیام یا انقلاب به صورت قهرآمیز صورت می‌گیرند، پسوند قهرآمیز به خود می‌گیرند. به طور نمونه می‌گویند انقلاب یا قیام یا شورش قهرآمیز، مسلحانه. ما هم انقلاب مسالمت آمیز داریم و هم انقلاب قهرآمیز.

۶- در مورد شکل مبارزه، ما در منشور کنونی خود نوشته ایم که خواهان برچیدن رژیم به طور مسالمت آمیز هستیم اما در عین حال، کارنامه رژیم نشان می‌دهد که چنین ظرفیتی ندارد و شکل مبارزه را به مردم تحمیل می‌کند و در نتیجه، در کنار شکل‌های دیگر مبارزه چون نافرمانی مدنی و غیره، قیام علیه جباریت نیز می‌تواند مطرح باشد. این که این قیام به حتم مسالمت‌آمیز خواهد بود، با توجه به این که در منشور تأکید می‌کنیم که شکل مبارزه را رژیم بر مردم تحمیل می‌کند، محرز نیست.

۷- با این حال، فرمول‌بندی این پاراگراف از منشور فاقد شفافیت و صراحت کلام لازم در شرایط امروز است. امکان برداشت‌های متضاد را باز می‌گذارد. از این رو پیشنهاد تغییر آن را می‌دهیم. امروزه در اپوزیسیون، چه در ایران و چه در سطح جهان، روندهای رادیکال در نفی سیستم که خواهان رهایی از سلطه‌ها هستند، باید روشن و شفاف صحبت کنند. این نیروها امروز در برابر دو گونه روند راست که رشد و گسترش پیدا کرده‌اند، قرار دارند. هم در برابر روندهای محافظه کارانه - رفرمیستی برای حفظ سیستم قرار دارند و هم در برابر رادیکالیسم کاذب "ضدسیستمی" جریان‌های ناسیونالیستی، فاشیستی و پوپولیستی. نیروهای رادیکال به واقع ضدسیستمی که رهایی خواهند، طرفدار آزادی، دموکراسی، برابری، عدالت اجتماعی، عدم تبعیض و غیره‌اند، باید امروزه در این دو جبهه مبارزه کنند.

۸- معنا و مفهوم سرنگونی، از نظر ما، و در فرمول‌بندی جدید پیشنهادی (رجوع کنید به ضمیمه) برای منشور سیاسی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران دارای ۵ مؤلفه تفکیک ناپذیر است:

یکم: ما خواهان سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی چون نظامی اجتماعی - اقتصادی - سیاسی هستیم. بنابراین، مخالف هرگونه تداوم و استمرار سیستم از طریق اصلاحات و ترمیم رژیم می‌باشیم - "اصلاحاتی" را که در عین حال در چهارچوب قانون اساسی اسلامی رژیم ناممکن ارزیابی می‌کنیم. از این رو، ما مخالف هرگونه سازش و ممانعت با اصلاح‌طلبان، تحول‌طلبان و یا بخش‌هایی از رژیم هستیم.

دوم: این سرنگونی توسط خود مردم، به دست خود مردم و به اراده‌ی خود مردم، از طریق جنبش‌های اجتماعی آن‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین ما مخالف "سرنگونی" از طریق کودتا، مداخله خارجی، آوانگاردیسم، حزب قدرت‌طلب، سازمان پیشتاز مسلح و از این قبیل اشکال و شیوه‌ها هستیم.

سوم: هدف سرنگونی توسط مردم، نه جایگزینی سلطه‌ای توسط سلطه‌ای دیگر، بلکه استقرار جمهوری، دموکراسی، جدایی دولت و دین و دیگر اصولی است که در منشور ج.ج.د.ل.، قید شده‌اند.

چهارم: سرنگونی به دست و به اراده‌ی مردم می‌تواند از طریق اشکال مختلف مبارزه صورت گیرد: جنبش همگانی، اعتصاب عمومی، تظاهرات خیابانی، اشغال میادین، قیام، انقلاب و غیره.

پنجم؛ ترجیح ما این است که سرنگونی رژیم توسط جنبش مردم به طور مسالمت آمیز انجام پذیرد. اما در مقابل سرکوب جنبش توسط نیروهای قهری رژیم، مردم حق دارند دست به دفاع از قیام خود به هر شکلی، مسالمت یا غیر مسالمت آمیز زنند. جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران از همه ی اشکال مبارزاتی و مقاومتی‌ای که مردمان برای رهایی‌خود از سلطه‌ها در پیش می‌گیرند، پشتیبانی می‌کند.

---

## ضمیمه

متن کنونی در منشور:

خواست ما این است که نظام بیدادگر جمهوری اسلامی، به اراده ی مردم و به شیوه‌ی مسالمت آمیز بر چیده شود؛ هر چند که کارنامه‌ی خشونت بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی کند. ما با تکیه بر اشکال مسالمت آمیز مبارزه، از جنبش های اعتراضی و نافرمانی‌های مدنی مردم علیه بیدادگری و ستم حمایت می‌کنیم و بر این باوریم که شکل گذار را قدرت حاکم به جنبش مردم تحمیل می کند. قیام علیه جباریت حق مردم است.

متن پیشنهادی جایگزین:

خواست ما، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در تمامیت آن به دست و به اراده‌ی مردم ایران برای استقرار جمهوری، دموکراسی و لائیسیته (جدایی دولت<sup>۱</sup> و دین) در ایران است. ما با تکیه بر شیوه‌ی مسالمت‌آمیز مبارزه، از همه‌ی اشکال مبارزات و اعتراضات مردم برای آزادی و رهایی خود، از جمله قیام و انقلاب، پشتیبانی می‌کنیم.

۱- دولت، به معنای سه قوای قانون گذاری، قضایی و اجرایی، و نهادهای همگانی است.